

جنگ رمضان و چالشهای روابط همسایگی در حوزه خلیج فارس

علی اکبر اسدی هیات علمی گروه مطالعات منطقه‌ای در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تجاوز امریکا و اسرائیل به ایران و تحمیل جنگی چهل روزه بر کشور، رویدادی مهم و اثرگذار در فضای منطقه‌ای و بین‌المللی کنونی است. این رویداد بخش عمده‌ای از بازیگران منطقه‌ای و به خصوص کشورهای عربی جنوب خلیج فارس را متأثر ساخت. در حالی که این کشورها در منازعات منطقه‌ای چند سال اخیر در حاشیه بحران‌ها قرار داشته‌اند، در این جنگ به بخشی از جغرافیای جنگ تبدیل شدند. رهبران عرب خلیج فارس در طول یک دهه اخیر در تلاش بوده‌اند تا به تدریج خود را از بحران‌ها و منازعات خاورمیانه جدا ساخته و به پیگیری طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی خاص خود بپردازند. اما تجاوز امریکایی - صهیونیستی به ایران و وقوع جنگ رمضان نشان داد که شرایط و معادلات ژئوپلیتیک و منازعات ناشی از رقابتهای متداوم و توسعه‌طلبی بازیگران متجاوز در محیط همسایگی این کشورها، به ناچار کشورهای شورای همکاری را نیز به بخشی از میدان نبرد و منازعه تبدیل می‌کند و تصورات و محاسبات امنیتی پیشین رهبران عرب را دگرگون ساخت. در این راستا مهمترین تغییر به تحول روابط این کشورها با جمهوری اسلامی ایران از مرحله مدیریت تنش به تشدید تنش و بازدارندگی فعال مربوط است که به معنی بروز چالش‌های جدید در روابط همسایگی کشورهای دو سوی خلیج فارس در نتیجه جنگ اخیر است.

روابط ایران و کشورهای عربی خلیج فارس در طول دهه‌های گذشته با فراز و فرودهای مختلفی مواجه شده و از تقابل‌های جدی و جنگ سرد تا تلاش‌های معطوف به تنش‌زدایی و شکل‌دهی به برخی همکاری‌ها را شامل شده است. با تصاعد بحران‌های منطقه‌ای ناشی از خیزش‌های مردمی جهان عرب بعد از ۲۰۱۱، رقابت‌ها و تنش‌های بین تهران و پایتخت‌های عربی جنوب خلیج فارس به شدت افزایش یافته و به خصوص به قطع شدن یا کاهش سطح روابط با کشورهایی مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی منجر شد. اما پیامدها و هزینه‌های بالای این سطح از رقابت و تنش، کشورهای خلیج فارس را وادار ساخت تا بار دیگر مدیریت و کاهش تنش را در اولویت قرار دهند؛ تحولی که از جمله به احیای روابط ایران و عربستان در پی توافق پکن در سال ۲۰۲۳ منجر شد. در طول این سالها ایران سیاست همسایگی و بهبود روابط با کشورهای عربی خلیج فارس را مورد تاکید قرار داد و رهبران عرب نیز لزوم کاهش تنشها و در اولویت قرار دادن همزیستی مسالمت‌آمیز و حسن همجواری را به عنوان اصول و منافع مورد نظر خود در روابط با تهران مورد اشاره قرار دادند.

به رغم برخی نتایج مثبت روند تنش‌زدایی برای مناسبات، برخی از مولفه‌های ساختاری از جمله تعارض دیدگاه‌های ایران و کشورهای عربی در خصوص امنیت منطقه‌ای، تداوم بی‌اعتمادی و استمرار سطحی از رقابتها مانع از آن شد که مدیریت تنش به همکاری‌های گسترده و تعمیق روابط منجر شود. در این دوره ایران در چهارچوب سیاست همسایگی به ارائه طرح‌هایی برای همکاری گسترده و تامین امنیت منطقه‌ای پرداخت و برای تسری تعاملات سیاسی به همکاری‌های اقتصادی عمیق و حتی سطحی از روابط امنیتی تلاش کرد. اما عوامل مختلفی مانند اولویت امنیت وارداتی معطوف به مشارکت با

غرب برای رهبران عرب و نگاه حداقلی و بازدارنده این کشورها به تنش‌زدایی با ایران مانع از آن شد که سیاست همسایگی ایران با دستاوردهای جدی و پایداری همراه شود. در این میان برغم سطحی از منافع مشترک، وابستگی سیاسی و امنیتی کشورهای شورای همکاری به امریکا و شراکت راهبردی آنان با غرب به عنوان چالش مهمی برای روابط همسایگی دو سوی خلیج فارس است که به خصوص با تجاوز امریکا و اسرائیل به ایران و وقوع جنگ اخیر به خوبی نمایان شد.

استفاده امریکا از پایگاه‌های خود در کشورهای شورای همکاری برای تجاوز به ایران و واکنش فوری تهران و مورد هدف قرار دادن خاک این کشورها، به توقف مرحله تنش‌زدایی و بروز چالش‌های کلیدی در روابط بازیگران دو سوی خلیج فارس منجر شد. این جنگ نشان داد که مناسبات طرفین و امنیت منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس همچنان به شدت از مولفه‌های بین‌المللی تاثیرپذیر است؛ تداوم منازعات و تنش‌های بین امریکا و اسرائیل با ایران و استمرار وابستگی سیاسی و امنیتی کشورهای عربی خلیج فارس به غرب تعارض مهمی است که هر گونه تلاش برای تعمیق سیاست همسایگی و توسعه همکاریها را ناکام خواهد گذاشت. در این خصوص هر چند رهبران عرب تلاش‌های اولیه‌ای را برای تقویت چندجانبه‌گرایی و کاهش وابستگی امنیتی به امریکا آغاز کرده‌اند، اما واقعیت آن است که این کشورها همچنان از ظرفیتهای سیاسی و نظامی - امنیتی لازم برای ایجاد تحول اساسی در الگوهای امنیتی خود برخوردار نیستند و حداقل برای دوره‌های زمانی کوتاه و میان‌مدت ناچارند تا برای تقویت امنیت خود به شراکت با واشنگتن ادامه دهند. در ضلع دیگر این بحران، تلاش‌های موجود برای کاهش تنش‌های بین ایران و امریکا و جلوگیری از وقوع منازعات جدید نیز به رغم تلاش‌های میانجی‌گرانه کشورهایی مانند پاکستان، با موانع و چالش‌های مهمی روبروست و به خصوص درخواست‌های حداکثری دولت ترامپ هر گونه موفقیت در این خصوص را با ابهاماتی جدی روبرو کرده است.

در طول جنگ رمضان برغم تشدید تنش و تخصم و کنشگری نظامی متقابل، رهبران ایران و اغلب کشورهای عربی خلیج فارس در تلاش بودند تا کانال‌های سیاسی و دیپلماتیک را حفظ نموده و مانع از رویارویی نظامی مستقیم، همه‌جانبه و علنی شوند. به خصوص کشورهای عربی به دلیل آسیب‌پذیری بالا و سطحی از بی‌اعتمادی به امریکا با وجود برخی تهدیدات، از اعلام جنگ علیه ایران خودداری کردند و صرفاً به مشارکت‌ها و حمایت‌های غیر علنی از تجاوز نظامی اکتفا کردند. اما فارغ از چنین ملاحظاتی، جنگ کنونی ضمن اینکه نشانه‌های مهمی از تعارض منافع و رویکردهای سیاسی و امنیتی کشورهای جنوب خلیج فارس با ایران را برجسته‌تر ساخت، به تشدید جدی بی‌اعتمادی بین طرفین منجر شده است. این وضعیت پیامدهای سلبی مهمی برای روابط تهران و پایتخت‌های عربی داشته و می‌تواند مرحله جدید از رقابت‌سلبی به ویژه در حوزه‌های تسلیحاتی و نظامی و واگرایی بیشتر در نظم امنیتی خلیج فارس را در پی داشته باشد. با این حال شدت تنش‌ها و رقابت‌های بین ایران و بازیگران عربی، با دو مولفه کلیدی یعنی سطح تقابل یا توافق احتمالی بین ایران و امریکا در روزها و ماه‌های آینده و همچنان اراده و ظرفیت رهبران عرب برای تقویت چندجانبه‌گرایی و کاهش وابستگی امنیتی به امریکا در میان‌مدت و بلندمدت بستگی خواهد داشت.